



## درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۶/۱۰/۰۵

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهات

ویکی فقه

ویکی پرسش

تقریر مدرسه فقهات

سطوح عالی

## موضوع: ادله جواز تخییر و بررسی انها / جواز تخییر در فرض تساوی مجتهدین / اجتهاد و

## تقلید

- ادله جواز تخییر در صورت تساوی مجتهدین
- استدراکی از بحث قبلی: احتمال اعلمیت در شخص متعین
- ادله جواز تخییر عند التساوی مجتهدین
- ادله لبیه
- دلیل اول: اجماع و رد ان
- دلیل دوم: سیره عقلا و رد ان
- دلیل سوم: سیره متدینین و رد ان
- ادله لفظیه
- ادله اولیه

- بیان اول: تقیید مطلقات جواز تقلید به حجیت قول مجتهد به اخذ ان در صورت

## تعارض و رد ان

- بیان دوم: صرف الوجود بودن مفاد اطلاقات نسبت به حجیت فتوای مجتهد و رد ان

## خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه گذشته بیان شد که شک در وجود اعلمیت گاهی اوقات به این نحو است که علم اجمالی به وجود اعلمی در بین است که در این صورت استاد فرمود بعید نیست که سیره بر عدم وجود فحص باشد اگر این سیره پذیرفته شد که فبها و اگر قبول نشد و فحص کرد و به نتیجه نرسید مرحوم سید یزدی فرموده است در جایی که احتیاط ممکن است امتثال ظنی کفایت میکند یعنی به قول ان مجتهدی که به ظنش اعلم است عمل کند و اگر احتیاط ممکن نیست که مخیر است. همان طوری که مرحوم خویی فرموده است در جایی که احتیاط ممکن است باید به احوط القولین عمل کند زیرا ظن باعث فراغ ذمه یقینی نمیشود و حق با مرحوم آقای خویی است. اگر شک در وجود اعلم داشته باشیم مرحوم خویی فرمودند که فحص

واجب است و استاد فرمودند فحص واجب نیست چون سیره عقلا بر عدم وجوب فحص است. بعد از این مساله وارد بحث جواز تخییر عند التساوی مجتهدین شدند که اولاً اثبات کردند از لحاظ ثبوتی مشکلی در جعل حجیت تخییری در فتوای مجتهدین نیست بلکه بحث در مقام اثبات که باید بحث شود اینکه دلیلی بر حجیت تخییری داریم یا خیر؟

### ادله جواز تخییر در صورت تساوی مجتهدین

#### استدراکی از بحث قبلی: احتمال اعلیت در شخص متعین

در مساله سابق دو صورت بحث شد که اولی عبارت است از اینکه علم اجمالی به وجود اعلم در مجتهدین داشتیم و صورت دوم نیز عبارت است از اینکه شک در وجود اعلیت داشتیم و احتمال تساوی نیز میرفت ولی در این استدراک صورت سومی بحث میشود که عبارت است از اینکه شک در وجود اعلم در شخص متعین داده میشود مثلاً جناب زید و عمر مجتهد هستند و در زید احتمال اعلیت میدهیم حال بحث این است که آیا در این صورت فحص واجب است یا نیست؟ به نظر ما در این صورت نیز فحص واجب نیست چون سیره عقلا بر این مطلب است که به دنبال احراز اعلیت در صورت شک در اعلیت نمیروند و خودشان را مخیر میدانند. حال اگر فحص واجب باشد و مکلف به دنبال احراز اعلیت رفت ولی به نتیجه نرسید کما اینکه غالباً همینطور است که برای آنها احراز نمیشود و شک در احراز دارند، وظیفه چیست؟ جناب مرحوم خویی فرموده است که اگر احتیاط ممکن نیست که مخیر است و اگر احتیاط ممکن است باید به احوط القولین عمل کند یا احتیاط مطلق کند. این ادعا مبتنی بر این مطلب است که در چنین حالتی یقین به حجیت قول کسی که احتمال اعلیت او میرود ندارد و شاید مساوی باشند و اگر مساوی باشند تساقط میکنند فلذا باید احتیاط کرد. ولی اگر ما گفتیم در صورت تساوی مجتهدین مکلف مخیر است که به قول هر کدام از مجتهدین که خواست عمل کند در این صورت دیگر نیازی نیست احتیاط کند زیرا دیگر تساقط نمیکند در صورتی که تساوی داشته باشند.

در نتیجه در صورتی که علم اجمالی به وجود اعلم بود گفته شد علی الاحوط فحص لازم است و در صورتی که شک در وجود اعلم دارد فحص لازم نیست و در صورتی که احتمال اعلیت در شخص متعین میدهد باز هم لازم نیست که فحص کند.

### ادله جواز تخییر عند التساوی مجتهدین

ادله ای که برای جواز تخییر ارائه شده است دو دسته هستند یک دسته از آن ها ادله لیه هستند و دسته دیگر ادله لفظیه هستند و از ادله لیه شروع میشود و بعد به سراغ ادله لفظیه پرداخته میشود.

### دلیل اول: اجماع و رد ان

یکی از دلایل هایی که برای جواز تخییر اجماع است کما اینکه مرحوم شیخ نیز این ادعا را فرموده است که اجماع وجود دارد بر اینکه وقتی چند مجتهد بودند که همه در فضیلت مساوی بودند مکلف مخیر است که به قول هر کدام که خواست میتواند عمل کند. نقل این اجماع درست است ولی از این جهت که احتمال مدرکیت داشتن می‌رود بلکه مقطوع المدرکیت است به درد نمی‌خورد و کشف از رای معصوم نمی‌کند و اجماع محصل ان نیز که حاصل نمیشود زیرا قول تمام علما را نمیتوان جمع کرد فلذا این دلیل برای اثبات مدعا فایده ای ندارد.

### دلیل دوم: سیره عقلا و رد ان

ادعا شده است که در جایی که دو متخصص که از هر جهت مساوی هستند ( البته مراد از تساوی، تساوی عرفی است نه به دقت عقلی) به هر کدام که می‌خواهند رجوع میکنند و این گونه نیست که احتیاط کنند و هر دو را از اعتبار ساقط کنند بلکه خودشان را مخیر میدانند که به هر کدام که خواستند رجوع کنند. عقلا در امورشان به خودشان سخت نمی‌گیرند بلکه به نحو ساده حلش میکنند و از طرفی ردی از این جهت متوجه عقلا نشده است پس حجیت دارد.

رد: ما نمیتوانیم باور کنیم که سیره عقلا به این وسعت باشد و حتی در صورتی که علم به اختلاف داشته باشند و احتمال اعلامیت شخص معینی را بدهند باز هم خودشان را مخیر بیندارند. بله ما قبول داریم که خودشان را در بعضی موارد مخیر میدانند ولی به خاطر این است که فکر میکنند که هر دو مساوی هستند و خبر از اختلاف در فضیلت انها ندارند ولی اگر هیچ مبرری نداشته باشند و از طرفی احتمال اختلاف در فضیلت را بدهند احراز نمیشود که عقلا به انها رجوع میکنند.

در جلسه یکی از شاگردان سوال کرد که چرا شما درجایی که علم اجمالی به وجود اعلم هست و یا احتمال اعلامیت می‌رود فرمودید که سیره عقلا بر عدم وجوب فحص است و خودشان را مخیر میدانند ولی در اینجا که تساوی در فضیلت دارند سیره عقلا بر تخییر نیست؟

استاد در جواب فرمود اولاً در جایی که علم اجمالی به وجود اعلمی در بین است به نحو قطعی نگفتیم که سیره هست بلکه **احوط گفتیم و ثانیا:** در انجا که ادعای وجود سیره میکردیم مشکل طریق بودن قول مجتهد نبود و بحث عذریت بود ولی در اینجا عقلا درجایی

که هر دو مساوی هستند اینگونه نیست که بگویند هر دو طریق به واقع است و حجت  
تخیریه است با اینکه اختلاف در حکم نیز دارند.؟؟؟؟؟؟

مرحوم خوئی در تنقیح فرموده است [۱] که علاوه بر اینکه سیره عقلا محرز نیست مشکلی  
دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه بر فرض که قبول کنیم سیره عقلا هست ولی این سیره  
کشف از حجیت تخیریه نمیکند بلکه نهایت چیزی که کشف میشود این است که هر کدام  
که باشد معذر است ولی در عین حال مدعی شما را ثابت نمیکند.

**رد:** اینکه سیره عقلا از حجیت تخیریه ای که مدعی به دنبالش است را ثابت نمیکند مهم  
نیست بلکه مهم این است که عمل به قول مجتهد به صورت تخیری معذر هست یا نه؟ و  
معذرت برای ما مهم است نه اینکه حجیت تخیریه کشف میشود یا نه؟ اگر قبول شد که  
سیره عقلا هست دیگر مشکلی نخواهیم داشت.

### دلیل سوم: سیره متدینین و رد آن

از جمله ادله ای که برای جواز تخیر ادعا شده سیره متشرعه بر تخیر عند التساوی  
مجتهدین است در طول تاریخ بالاخره این طور بوده است که مجتهدینی بوده اند و اختلاف  
در حکم داشته اند و تساوی در فضیلت نیز داشته اند ولی با این حال متشرعه خودشان را  
مخیر میدانستند و در این دلیل نیازی به اثبات عدم ردع ندارد زیرا اگر احراز شود کشف  
میشود که از رئیسشان اخذ کرده اند و حجیت دارد. که جوابش همان جواب اول از سیره  
عقلا است که در صورت علم به اختلاف حکم و تساوی در فضیلت، سیره متدینین احراز  
نشده است.

### ادله لفظیه

این ادله عبارت است از ادله ای که از حیث لفظ دلالت بر جواز تخیر میکند و این ادله  
نیز دو دسته هستند یک دسته دلیل اولیه هستند که همان اطلاقات جواز تقلید است و دسته  
دیگر ادله ثانویه است که به بررسی آنها پرداخته میشود.

### ادله اولیه

این ادله دلالت میکنند بر اینکه وقتی مجتهدین مسای بودند ادله جواز تقلید اقتضا میکنند  
که تو مخیر هستی و میتوانی به هر کدام از مجتهدین رجوع کنید به دو بیان:

بیان اول: تقیید مطلقات جواز تقلید به شرط حجیت قول مجتهد به اخذ آن در صورت

تعارض و رد آن

بیان مرحوم عبدالکریم حائری [۲]: بیان ایشان قبلاً نیز گذشت که ایشان قائلند به اینکه در دل ادله اولیه تخییر وجود دارد و ادله حجیت قول مجتهد در صورت تعارض و اختلاف مقید به اخذ است یعنی با اخذ، قول یکی از آنها حجیت پیدا میکند که گفته شد این بیان خلاف فهم عرفی است زیرا ظهور ادله اولیه حجیت تعیینیه قول مجتهدین است نه اینکه حجیت تخییری باشد.

#### بیان دوم: صرف الوجود بودن مفاد اطلاقات نسبت به حجیت فتوای مجتهد و رد آن

بیان مرحوم اصفهانی [۳]: ایشان میفرماید باید بررسی شود که ادله حجیت قول مجتهد به نحو شمولی است یا به نحو صرف الوجود است اگر به نحو شمولی باشد نمیتوان حجیت تخییری قول مجتهدینی که مساوی هستند و اختلاف دارند استفاده کرد زیرا قول هر دو مجتهد اگر بخواهد حجیت داشته باشد معقول نیست. نظیر صدق العادل که در حجیت خبر واحد است. ولی اگر حجیت قول مجتهد به نحو صرف الوجود باشد مشکلی پیش نیاید زیرا به صرف اخذ قول یکی از مجتهدین صرف الوجود محقق میشود و دیگر مشکلی به وجود نیاید مثلاً ایه سوال میفرماید سوال کنید و جواب هم حجت است و مکلف به صرف سوال کردن، جواب مجتهد حجت است و همان حجت میشود.

**رد:** همان طوری که مرحوم خوئی فرموده است که فساد این بیان خیلی واضح است و نیاز به بیان ندارد [۴] این بیان از مرحوم اصفهانی درست نیست زیرا عرفیت ندارد و عرف پسند نیست منتهی آن نیز این است که ایشان در نهاییه فرمودند [۵] که ظهور ادله در حجیت تعیینیه است نه اینکه حجیت تخییری باشد. ادامه بحث در جلسه آینده خواهد آمد.

---

[۱] ج ۱ ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

[۲] درر الفوائد ص ۶۴۸.

[۳] بحوث فی علم الاصول ج ۳ ص ۵۶.

[۴] انتقیح فی شرح العروة الوثقی ج ۱ ص ۱۶۷.

[۵] نهاییه الدرایه ج ۳ ص ۴۷۳.



